

مجموعه کتب و لایه

خانه مرگ

نویسنده: آر.ال. استاین

مترجم: شهره نور صالحی





من و جاش از خانه جدیدمان متنفر بودیم. البته این را بگویم که خیلی بزرگ بود و در مقایسه با خانه قدیمی مان، یک خانه اشرافی حسابی بود؛ یک خانه آجری قرمز بلند، با سقف کج سیاه و چند ردیف پنجره که سایبان های سیاهی داشتند.

از خیابان که نگاهش کردم، با خودم فکر کردم، که خیلی تاریک است. کل ساختمان یک جوری تاریک بود، انگار خودش را تو سایه درخت های پیر و گره داری که رویش خم شده بودند، قایم کرده بود.

با اینکه فقط دو هفته از ماه جولای می‌گذشت، حیاط جلویی پر از برگ‌های خشک قهوه‌ای بود و وقتی کِر و کِر از سربالایی ورودی اختصاصی^(۱) جلو خانه بالا می‌رفتیم، برگ‌ها زیر کفش‌های کنانی‌مان خرچ و خرچ صدا می‌کردند.

همه جا علف هرز از لابه‌لای برگ‌های خشک بیرون زده بود. تو باغچه کنار ایوان جلویی خانه، آن قدر علف درآمده بود که دیگر خود باغچه معلوم نبود.

غصه‌ام گرفت و تو دلم گفتم، این خانه آدم را می‌ترساند. جاش هم حتماً تو همین فکر بود، چون وقتی چشمانم به خانه افتاد، هردو با صدای بلند آه کشیدیم.

آقای داز، کارمند جوان و خوشروی دفتر معاملات ملکی محل که ما را آنجا آورده بود، نزدیک ساختمان ایستاد و رویش را برگرداند.

با چشم‌های آبی‌رگه‌دارش، اول به جاش و بعد به من نگاه کرد و پرسید: «چطوره؟ می‌پسندید؟»

پدر که داشت پیراهنش را تو شلوارش فرو می‌کرد - آخر

۱. drive way، راه ماشین رو کوتاهی که در فاصله میان خیابان و هر ساختمان کشیده می‌شود.

پدر یک کمی اضافه وزن دارد و پیراهنش همیشه از شلوارش درمی‌آید. توضیح داد: «جاش و آماندا از این جابه‌جایی خوشحال نیستند.»

مادرم که در آن لحظه دست‌هایش را تو جیب‌های شلوار جینش فرو کرده بود و به طرف در ورودی می‌رفت، لبخندی به آقای داز زد و اضافه کرد: «حتماً علتش رو می‌دونید، جدا شدن از دوست‌ها و آمدن به یک جای جدید و غریبه.»

جاش سرش را تکان تکان داد و گفت: «خوب گفتم، عجیب و غریب! این خونه خیلی عوضیه.»

آقای داز جلو خنده‌اش را گرفت، دستش را روی شانه جاش گذاشت و گفت: «خب، البته در قدیمی بودن این خونه که شک نیست.»

پدر لبخندی تحویل آقای داز داد و گفت: «جاش، این خونه فقط یک کمی دستکاری لازم داره. مدت‌هاست که کسی اینجا زندگی نکرده و باید رو به راهش کرد.»

مادر دستی به موهای صاف و تیره‌اش کشید، لبخندی به جاش زد و دنبال حرف را گرفت: «ببین چقدر بزرگه! این قدر جا داره که می‌تونیم یک اتاق دم‌دستی و احتمالاً یک اتاق